

## بررسی تأثیر تغییر اختیاری و غیر اختیاری حسابرس بر عدم تقارن اطلاعاتی

محمد حسین ودیعی<sup>۱</sup>

محمد حسین ذوالفقارآرانی<sup>۲</sup>

جواد رجبعلی زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف این نوشتار، بررسی تأثیر چرخش اجباری و داوطلبانه حسابرس از سوی شرکت‌ها بر میزان عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد که با توجه به اهمیت نقش حسابرسان مستقل به عنوان یکی از ارکان بازار، تغییرات منظم آن‌ها به عنوان یکی از راهکارهای اساسی کاهش عدم تقارن اطلاعاتی مدنظر قرار گرفته است.

**روش:** روش انجام این پژوهش علی-همبستگی بوده و بر اساس اطلاعات منتشره از سوی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ با نمونه انتخابی شامل ۱۲۹ شرکت انجام پذیرفته است. روش مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته پانلی (PGLS) می‌باشد.

**استنباط و یافته‌ها:** نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که چرخش اجباری حسابرس بر میزان عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی و معناداری داشته و تغییر اختیاری حسابرس بر میزان عدم تقارن اطلاعاتی در بازار تأثیر مثبت و معنادار دارد.

**اصالت و نوآوری:** دستاورد این پژوهش، ارائه راهکاری برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. ضمن آنکه سرمایه‌گذاران را نسبت به رفتار برخی مدیران برای اعمال تغییر در حسابرس مستقل آگاه می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: چرخش اجباری حسابرس، چرخش اختیاری حسابرس، شاخص ترکیبی عدم تقارن اطلاعاتی.

---

<sup>۱</sup> دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. mhvadeei@um.ac.ir  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. Mh\_zolfaghararani@um.ac.ir  
<sup>۳</sup> کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. J-rajabalizadeh@mail.um.ac.ir

## ۱- مقدمه

حسابرسان طی چند سال اخیر، به علت نقش آنان در رسوایی‌های شرکت‌های بزرگی چون انرون و ورلد کام، مورد سرزنش قرار گرفته و در این بین، استقلال به عنوان عاملی مهم در تعیین کیفیت حسابرسی، بیش از سایر عوامل توجه منتقدین را به خود جلب کرده است. از دلایل خدشه دار شدن استقلال حسابرسان، وجود رابطه طولانی مدت بین آنها و صاحبکاران است که نگرانی‌های ماتز و شرف بیش از ۴۰ سال قبل، در زمینه افزایش تدریجی سطح روابط رفاقتی در اثر ارتباطات طولانی مدت بین حسابرس و صاحبکار، نیز نشان از اهمیت موضوع از سالیان دور دارد (حساس یگانه، ۱۳۸۴). پژوهش‌های گذشته عموماً نشان می‌دهد که تعیین حسابرس با افزایش کیفیت حسابرسی ارتباط دارد. بلوئین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۷) نیز مدرکی به دست نیاوردند که نشان دهد تغییرات اجباری که در مورد سقوط AA صورت گرفت کیفیت گزارشگری مالی را افزایش دهد. باربادیلو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند حسابرسان تعیین شده نسبت به حسابرسانی که به وسیله‌ی شرکت‌های مشتری انتخاب می‌شوند حق الزحمه‌های بیشتری مطالبه می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که سیستم تعیین حسابرس موجب افزایش استقلال حسابرس می‌شود در حالی که تغییر داوطلبانه‌ی حسابرس با کاهش موازنه ارتباط دارد. لذا، همواره قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی سعی در تدوین قوانینی داشتند تا استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. به عنوان نمونه قانون ساربنز-آکسلی (۲۰۰۲)، که موسسات حسابرسی را ملزم می‌کند شرکا و مدیران خود را بعد از هر ۵ سال متوالی کار حسابرسی روی یک صاحبکار تغییر دهند. همچنین، کشورهای نظیر ایالات متحده و انگلستان تنها به چرخش شرکای حسابرسی اکتفا کرده‌اند و کشورهای نظیر برزیل، کره، هند و سنگاپور، شرکت‌ها را ملزم به تغییر موسسات حسابرسی بعد از طی دوره مشخص نموده‌اند. در این بین، کشورهای نظیر اتریش، اسپانیا و کانادا نیز بعد از شکست در اجرای قانون تغییر اجباری موسسات حسابرسی، آن را بعد از مدتی کنار گذاشتند (لیو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). در ایران، نیز بنا بر تصویب دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار (ماده ۱۰ تبصره ۲) توسط شورای عالی بورس در تاریخ ۱۳۸۶/۰۵/۰۸ مبنی بر اینکه موسسات حسابرسی و شرکای حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی، بعد از گذشت ۴ سال مجاز نیستند مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند و حتی در صورت خروج شرکا از موسسه قبلی، شریک مسئول کار در دوره ۴ سال قبلی، نمی‌تواند با حضور به عنوان شریک در موسسه حسابرسی دیگر سمت مزبور را قبول کند.

---

<sup>۱</sup> Blouin

<sup>۲</sup> Barbadillo

<sup>۳</sup> Liu

از سوی دیگر، در بازار سرمایه معمولاً زمانی که اطلاعات تازه‌ای از وضعیت شرکت‌ها منتشر می‌شود، این اطلاعات توسط تحلیلگران، سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بر مبنای آن، تصمیم‌گیری نسبت به خرید و یا فروش سهام صورت می‌پذیرد. این اطلاعات و نحوه‌ی واکنش به آنها بر رفتار کاربران، به ویژه سهامداران بالفعل و بالقوه تاثیر گذاشته و باعث افزایش و یا کاهش قیمت و حجم معاملات سهام می‌شود. بنابراین، در صورت انتشار محرمانه و ناهمگون اطلاعات، واکنش‌های متفاوتی از سوی سرمایه‌گذاران به واسطه‌ی وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه مشاهده خواهد شد و این موضوع تحلیل‌های نادرست و گمراه‌کننده‌ی را از وضعیت جاری بازار به دنبال خواهد داشت (قائم‌ی و وطن پرست، ۱۳۸۴). تقارن اطلاعاتی در صورتی به وجود می‌آید که مدیران و بازار اطلاعات یکسانی در باره‌ی شرکت در اختیار داشته باشند و مدیران و بازار، عدم اطمینان درباره شرکت را به طور یکسان تحمل کنند. اما، در صورت وجود عدم تقارن اطلاعاتی، مدیران به دلیل داشتن اطلاعات خصوصی و محرمانه درباره شرکت، اطلاعات بیشتر و بهتری نسبت به بازار، در اختیار دارند. به بیان دیگر، عدم تقارن اطلاعاتی پدیده‌ای منفی است که منجر به تصمیم‌گیری‌های نامناسب اقتصادی توسط سرمایه‌گذاران می‌شود. وقتی عدم تقارن اطلاعاتی در رابطه با سهام یک شرکت افزایش می‌یابد، ارزش ذاتی آن با ارزشی که سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه برای سهام مورد نظر قائل می‌شوند، متفاوت خواهد بود؛ در نتیجه، ارزش واقعی سهام شرکت با ارزش مورد انتظار، تفاوت خواهد داشت (قائم‌ی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین، وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه، سرمایه‌افراد عادی را در این بازار به مخاطره می‌اندازد. بررسی وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه و راهکارهایی برای کاهش آن ضروری به نظر می‌رسد. یکی از دلایل وجود عدم تقارن اطلاعاتی، جدایی مالکیت از مدیریت است. زیرا مدیران اغلب اطلاعات بیشتری در مورد ارزش شرکت در اختیار دارند. اما، می‌توان با اتخاذ راهکارهایی عدم تقارن اطلاعاتی موجود را کاهش داد. مطلوبترین راهکار برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی موجود، استفاده از خدمات حسابرس مستقل به عنوان گواهی‌کننده‌ی کیفیت صورت‌های مالی است. از سویی، با تداوم انتخاب حسابرس و به دست آوردن شناخت بیشتر حسابرس از وضعیت صاحبکار، هوشیاری حسابرس نسبت به کار حسابرسی بیشتر می‌شود و از هر گونه خطرپذیری بالقوه حسابرسی پرهیز می‌کند. بنابراین؛ با تداوم انتخاب حسابرس، عدم تقارن اطلاعاتی بین صاحبکار و حسابرس کاهش می‌یابد و منجر به بهبود کیفیت حسابرسی می‌شود. حال آنچه در مطالب بالا بیان گردید، در این پژوهش سعی بر آن است بررسی شود که در صورت چرخش حسابرس چه از نوع اختیاری و چه از نوع اجباری، می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد شده بین مدیران و سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را کاهش دهد؟

## ۲- مبانی نظری پژوهش

حضور طولانی مدت حسابرس در کنار صاحبکار، موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نظر مدیریت صاحبکار می شود، وضعیتی که استقلال و بی طرفی او را خدشه دار می کند (رجبی، ۱۳۸۵). نتایج تحقیق وانستر کارسون<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۲) حاکی از این است که همکاری های طولانی مدت حسابرس و صاحبکار، احتمال صدور گزارش مقبول از سوی حسابرسان را افزایش می دهد. دی بیا<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۳) رابطه میان دوره تصدی حسابرس و کیفیت خدمات حسابرسی را بررسی کردند. نتایج تحقیق آن ها نشان داد که با افزایش دوره ارتباط حسابرس و صاحبکار، کیفیت حسابرسی افزایش می یابد اما دوره ارتباط بسیار طولانی باعث کاهش کیفیت حسابرسی می شود (آچاریا و پیدرسن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). تحقیقی که در مورد شرکت های انگلیس توسط بیتی و فیرنلی<sup>۴</sup> (۱۹۹۵-۱۹۹۸) انجام شده و همچنین تحقیقات قبلی نشان داده است که شرکت ها حسابرسان را با توجه به عواملی چون سطح حق الزحمه حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی، تغییر در مدیریت، اظهار نظر مشروط و سایر موارد تغییر می دهند. در این تحقیق این عوامل به دودسته تقسیم شده اند: ۱) عوامل مربوط به حسابرس ۲) عوامل مربوط به صاحبکار ۳) تغییر اجباری. عوامل مربوط به حسابرس شامل اظهار نظر مشروط حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی و تغییر در حق الزحمه حسابرسی و عوامل مربوط به صاحبکار شامل تغییر در مدیریت، درماندگی مالی و اندازه شرکت (صاحبکار) است. و تغییر اجباری نیز بنا به تبصره ۲ ماده ۱۲ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار، موسسات حسابرسی، شرکای مسئول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند بنابراین چارچوب نظری مربوط به تغییر حسابرس در این تحقیق در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

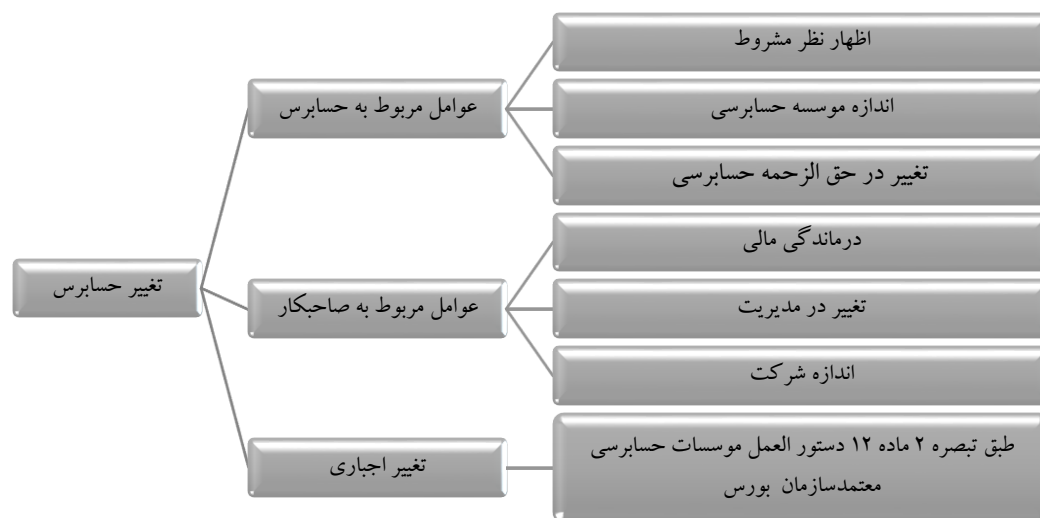
#### نگاره ۱: چارچوب نظری مربوط به تغییر حسابرس

<sup>1</sup> Carson

<sup>2</sup> Dibia

<sup>3</sup> Acharya & Pedersen

<sup>4</sup> Beattie & Fearnley



اگر چه دلیل اقتصادی رفتاری برای تغییر حسابرِس وجود دارد اما این تغییرات بسیار مورد توجه ناظران و دانشگاهیان قرار گرفته است زیرا این تغییرات می تواند انگیزه ای برای فرصت طلبی مدیریت باشد. به عنوان مثال کمیسیون بورس و اوراق بهادار<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) بیان می کند که تغییرات حسابرِس با جستجو برای حسابرِس که از روش حسابداری پیشنهادی که به دستیابی شرکت به اهداف گزارشگری خود کمک می کند حمایت کند حتی اگر این روش موجب بی اعتبار شدن گزارشگری شود. بنابراین مشتری ها اغلب تغییر حسابرِس را به عنوان خرید و فروش نظر یا به دلیل عدم توافق بین مشتری و حسابرِس می دانند. مانند پژوهش لنون<sup>۲</sup> (۲۰۰۰). علاوه بر این به دلیل افزایش رقابت در بازار حسابرِس، شرکت های حسابرِس تمایل دارند که حق الزحمه های حسابرِس را کاهش داده تا قراردادهای اولیه خود را تضمین کنند. این کاهش موازنه موجب تضعیف استقلال حسابرِس می شود زیرا در این صورت حسابرِس از نظر اقتصادی به مشتری های خود وابسته می شوند.

اگر چه اکثر پژوهش های حسابرِس گذشته بر اساس بازار آمریکا بوده است اما پژوهش هایی که در سایر کشورها در مورد اهمیت نقش حسابرِس خارجی انجام شده نیز نتایج مشابهی داشته است. فن و وانگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) دریافتند که در کشورهای آسیا، شرکتهایی که حسابرِس با کیفیت دارند کاهش قیمت سهام که حاصل از اختلافات نمایندگی است کمتر می باشد. نقش حسابرِس در بررسی صورتهای مالی به صورت مستقل از بازارهای نو پا

<sup>1</sup> SEC

<sup>2</sup> Lennon

<sup>3</sup> Fan & Wang

اهمیت بیشتری دارد چرا که در این بازارها کیفیت گزارشگری مالی معمولاً ضعیف تر است. فرانسیس و وانگ (۲۰۰۸)، ژی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) کیم و یی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در پژوهش‌هایی نشان دادند حسابرسان شرکت‌های بزرگ اقلام تعهدی غیر عادی را کاهش می‌دهند. سیبیلکوف<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) نمونه بزرگی از شرکت‌هایی خصوصی را بررسی کرده و دریافت شرکت‌هایی که حسابرسی داوطلبانه دارند نرخ بهره‌ای که برای بدهی خود می‌پردازند بسیار کمتر از شرکت‌هایی است که حسابرسی ندارند.

حسابرسان ارائه‌کننده سطوح مختلفی از کیفیت حسابرسی هستند و اندازه موسسه حسابرسی عامل موثر در کیفیت حسابرسی است. شرکت‌ها به منظور دریافت کیفیت متفاوت حسابرسی، حسابرس خود را تغییر می‌دهند و تصمیم به تغییر حسابرس به مشکلات نمایندگی در جدایی مالکیت و کنترل در شرکت مربوط می‌شود. بر اساس این دیدگاه که بر اساس تغییر تناوبی و اجباری حسابرس، استقلال حسابرس تضمین نمی‌شود، روئیز-باربادیلو<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۹) نیز هیچ مدرکی به دست نیاوردند که نشان دهد تغییر تناوبی و اجباری حسابرس در اسپانیا که تغییر تناوبی شرکت‌های حسابرسی هر نه سال یکبار اجباری است موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود. بلوئین<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۷) نیز مدرکی به دست نیاوردند که نشان دهد تغییرات اجباری که در مورد سقوط اندرون اندرسون صورت گرفت کیفیت گزارشگری مالی را افزایش دهد. کولبک<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۸) نیز شواهدی به دست آوردند که نشان می‌دهد که در مشتری‌های سابق اندرون اندرسون به دلیل رقابت میان شرکت‌های بزرگ کاهش موازنه وجود داشته است. پژوهش‌های گذشته عموماً نشان می‌دهد که تعیین حسابرس با افزایش کیفیت حسابرسی ارتباط دارد. جیانگ و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند حسابرسان تعیین شده نسبت به حسابرسانی که به وسیله شرکت‌های مشتری انتخاب می‌شوند حق الزحمه‌های بیشتری مطالبه می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که سیستم تعیین حسابرس موجب افزایش استقلال حسابرس می‌شود در حالی که تغییر داوطلبانه حسابرس با کاهش موازنه ارتباط دارد. کیم و یی (۲۰۰۹) دریافتند که قانون تعیین حسابرس مانع ارتکاب مدیریت درآمدها توسط مدیران می‌شود. آنها همچنین دریافتند شرکت‌هایی که مشمول قانون تعیین حسابرس می‌شوند نسبت به شرکت‌هایی که به صورت داوطلبانه حسابرس را عوض می‌کنند اقلام تعهدی اختیاری کمتری را گزارش می‌کنند و این امر نشان می‌دهد که تعیین حسابرس موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. با این حال ممکن است این سیستم موجب کاهش کیفیت حسابرسی شود زیرا حسابرسان آینده ممکن است مهارت صنعتی نداشته باشند و یا آشنایی و مهارت کافی در زمینه‌ی تجارت شرکت نداشته باشند. بای و همکاران (۲۰۱۲) نیز هیچ مدرکی به دست نیاوردند

<sup>1</sup> Zhi

<sup>2</sup> Kim&Yi

<sup>3</sup> Sibilkov

<sup>4</sup> Ruiz-Barbadillo

<sup>5</sup> Blouin

<sup>6</sup> Kohlbeck

که نشان دهد حسابرسان تعیین شده حسابرسی با کیفیت تری ارائه دهند. میهی و پیک<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) دریافتند انتقال حق استخدام و اخراج حسابرسان از مدیران به سهامداران استقلال حسابرس را افزایش می دهد. آنها همچنین نشان دادند که این افزایش استقلال موجب افزایش مازاد بازارها شده و اثبات تجربی استدلال های آنها دشوار است زیرا شرکت ها در مورد استخدام و یا اخراج حسابرس های خود در هر بازار تصمیم گیری می کنند.

در پژوهش های متعدد چگونگی واکنش سرمایه گذاران به تغییرات حسابرس با استفاده از بازده سهام مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که در بعضی از پژوهش ها از قبیل بنیش و همکاران (۲۰۰۵)، کنچل<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۷)، شی<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، اسمیت<sup>۴</sup> (۱۹۸۸)، ولز و لودر<sup>۵</sup> (۱۹۹۷)، ویسینانت و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۰۳). واکنش منفی و معنی دار قیمت سهام به تغییرات حسابرس اثبات شده است. بنابراین پیامدهای تغییر حسابرس در بازار سرمایه در متون علمی مشخص نیست. فورتن و پت من (۲۰۰۷) علاوه بر این، پژوهش هایی که در مورد ساختار نادرست بازار وجود دارد نشان می دهد که عدم تقارن اطلاعات (میزان اطلاعاتی که کارگزاران مطلع بیشتر از کارگزاران ناآگاه دارند و از این اطلاعات سود می برند) بر نقدشوندگی سهام تاثیر معکوس دارد. کیم<sup>۷</sup> (۲۰۱۴) نشان دادند که واکنش نقدشوندگی سهام به تغییرات حسابرس به میزان اطلاعات جدید می باشد که این تغییرات در مورد کیفیت گزارشگری مالی شرکتها در اختیار سرمایه گذاران بازار سرمایه قرار می دهند.

## ۲-۱- تغییر اجباری حسابرس

مهمترین موارد مندرج در قانون در کشورهای مختلف در ارتباط با استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی است. این مقررات از جمله شامل محدودیت در ارائه خدمات غیرحسابرسی به صاحبکاران حسابرسی، افزایش مسوولیت کمیته حسابرسی، استقرار هیات نظارت بر حسابداری شرکتهای سهامی عام و همچنین تغییر اجباری شرکای اصلی هر کار حسابرسی پس از یک دوره متوالی چهار ساله بود. مساله دیگری که باید به آن توجه کرد این است که موضوع محدود کردن دوره تصدی حسابرس از دو بعد قابل بررسی است. بعد اول مربوط به تغییر موسسات حسابرسی است و بعد دیگر شامل تغییر ادواری کادر حسابرسی خصوصا در رده مدیران و سرپرستان مسوول کار حسابرسی و شریک مربوطه است. بررسی های متعدد صورت پذیرفته در این خصوص حاکی از برتری سیاست تغییر شریک بر تغییر موسسات حسابرسی است. در ایران در تاریخ ۱۳۸۶/۰۸/۰۶ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس به تصویب شورای عالی بورس رسید و جایگزین آیین نامه ضوابط

<sup>1</sup> Mayhew&Pike

<sup>2</sup> Knechel

<sup>3</sup> She

<sup>4</sup> Smith

<sup>5</sup> Wells&Loudder

<sup>6</sup> whisenant

<sup>7</sup> Kim

مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار تهران (مصوبه جلسه ۱۳۸۰/۰۲/۲۰ شورای بورس) و ضوابط مؤسسات حسابرسی و بازرسی قانونی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار تهران (مصوب جلسه ۱۳۸۷/۰۳/۰۳) شد. بنابر تبصره ۲ ماده ۱۲ این دستورالعمل، مؤسسات حسابرسی، شرکای مسول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرسی قانونی شرکت مذکور را بپذیرند. ضمناً در صورت خروج شرکا از موسسه قبلی، شریک مسول کار در دوره چهار سال قبل نمیتواند با حضور به عنوان شریک در موسسه حسابرسی دیگر سمت مزبور را قبول کند (شایان و باقرآبادی، ۱۳۸۹). تغییر حسابرس باعث خواهد شد اعتماد سرمایه گذاران به اتکا پذیری صورت های مالی کاهش یافته و از این رو اعتبار حسابرسی کاهش یابد، از طرف دیگر هزینه های حسابرسی، چه برای حسابرس و چه برای صاحبکار افزایش خواهد یافت (سینت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷).

از دیدگاه طرفداران تغییر اجباری حسابرس، مدت تصدی طولانی حسابرس، منجر به کاهش سطح بی طرفی و خدشه دار شدن استقلال و کاهش کیفیت حسابرسی به دلیل کاهش سطح دقت در اجرای آزمونهای کنترل و محتوای ناشی از تطبیق پذیری حسابرس با شرایط حاکم بر محیط مورد حسابرسی است (شایان، باقرآبادی، ۱۳۸۹). حامیان تغییر حسابرس باور دارند در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می گیرند که قادر خواهند بود در مقابل فشارها و خواسته های مدیران مقاومت کرده و قضاوت های بی طرفانه تری را اعمال نمایند (رجبی، ۱۳۸۵). با توجه به پیشینه، دو مسئله اصلی در چرخش اجباری حسابرسان وجود دارد: الف) دوره تصدی طولانی مدت حسابرس میتواند به ضعف حسابرسی منجر شود و یا استقلال حسابرسان را در دوره تصدی خدشه دار کند. ب) حسابرس جدید میتواند دید تازه ای درباره تغییر بالقوه داشته باشد. درحالی که بیشتر مطالعات اولیه روی مسئله اول تأکید کرده اند، مطالعات تجربی کمی مستقیماً مسئله بعدی را مورد بررسی قرار داده اند.

مخالفان تغییر اجباری، اعتقاد دارند مخارج اجرا و اعمال این قانون بیش از منافع آن است. از طرفی، آن ها استدلال می کنند که عوامل دیگری نظیر نیاز به حفظ اعتبار و شهرت و ترس از طرح دعاوی حقوقی علیه آنها وجود دارد که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می کند از این رو، بسیاری از پژوهشگران با تغییر مستمر حسابرس مخالف بوده و در حمایت از نظر خود دلایلی ارائه می دهند (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۹). هومس<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۳) چنین استدلال می کنند که تغییر اجباری حسابرس به دلیل هزینه های گزافی که بر دوش حسابرسان و صاحبکاران می گذارد نمی تواند یک ابزار مناسب در جهت بهبود استقلال و کیفیت حسابرسی باشد. مخالفان تغییر حسابرس می گویند که محدود کردن مصنوعی تصدی حسابرس می تواند موجب کاهش کلی کیفیت حسابرسی می شود

<sup>1</sup> Sint

<sup>2</sup> Houmes



زیرا حسابرسی که تماس کمتری با صاحبکار دارد دانش و تخصص لازم برای اطمینان از مناسب بودن صورت های حساب های وضعیت مالی صاحب کار را ندارند (ری هیول<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۳).

مخالفان تغییر اجباری حسابرسان بیان می کنند که استانداردها و روشهای جاری، منافع مطرح شده در دیدگاه حامیان تغییر اجباری را فراهم می کند و تغییر عادی کارکنان و مدیریت صاحبکار، بررسیهای شریک دوم و بررسی همپیشگان همانند تغییر اجباری عمل می کند. برای نمونه، تغییر داوطلبانه شرکای حسابرسی داخل موسسه دائما توسط افراد حرفه ای برای کاهش توافقات بالقوه و افزایش استقلال حسابرسی پیشنهاد می شود (استانداردهای اخلاقی بین المللی، ۲۰۰۹). تغییر موسسات حسابرسی ممکن است بهانه ای برای گمراه کردن حسابرس توسط صاحبکار باشد و بدلیل عدم شناخت کافی حسابرس جدید از خصوصیات صاحبکار ممکن است به شکست حسابرسی منجر شود. نتیجه برخی مطالعات قبلی نشان می دهد شرکتیهای بیشتر تمایل به تغییر داوطلبانه حسابرسان خود داشته اند که در سال گذشته آنها اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده یا خطر مالی در سطح بالایی قرار داشته است. انتقادهایی وجود دارد مبنی بر اینکه افزایش تغییر حسابرس در سالهای اخیر، به توانایی حسابرس در ایفای نقش مهم اعتباردهی به صورتهای مالی صدمه می زند. این انتقادهای براساس این عقیده قرار دارد که تغییر حسابرس باعث کاهش استقلال حسابرس و صاحبکار و در نتیجه بی اعتبار شدن صورتهای مالی می شود. از سوی دیگر، مقامات قانون گذار نگران این هستند که افزایش فراوان تغییر حسابرس، اعتماد استفاده کنندگان به کلیه صورتهای مالی و نه فقط صورتهای مالی شرکتیهای تغییر دهنده حسابرس، را کاهش دهد. از این رو، با توجه به اینکه این موضوع، فلسفه وجودی حسابرسی را متزلزل می کند، بررسی پدیده تغییر حسابرس و دلایل آن از اهمیت خاصی برخوردار است (تیلور و تامسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳).

البته نباید این موضوع را نادیده گرفت که در ایران بنابر تصویب دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار توسط شورای عالی بورس در تاریخ ۱۰۵/۰۸/۸۶ در صورتی که اشخاص حقوقی موضوع ماده ۳۰ این دستورالعمل حسابرس مستقل و بازرسی قانونی انتخابی را قبل از پایان چهار سال متوالی تغییر دهند باید مراتب را با ذکر دلیل به اطلاع سازمان برسانند.

### ۳- پیشینه تجربی پژوهش و بسط فرضیه‌ها

پژوهش های زیادی در حوزه تغییر حسابرس در شرکتها انجام پذیرفته است که نتایج آنها متضمن تأثیر این عامل بر استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی، متغیرهای بازار سرمایه و ... می باشد. آرنولداسنچی (۲۰۱۵)، به بررسی این که آیا اطلاعات درباره تغییر حسابرس بر تصمیم گیری سرمایه گذاران تأثیر می گذارد؟ پرداختند و نتایج

<sup>1</sup> Reheul

<sup>2</sup> Taylor and Thompson

نشان می دهد که تغییر حسابرس باعث ریسک سرمایه گذاری بیشتری شود و مقدار سرمایه گذاری کاهش پیدا می کند. کالسم و هازلینا<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، به بررسی چرخش حسابرس و انواع مختلف گزارش حسابرسی پرداخته اند. نمونه این تحقیق از بررسی ۱۴۴۵ گزارش حسابرسی به بررسی ۱۵۶ شرکت پذیرفته شده در مالزی می باشد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که غیر از چهار شرکت حسابرسی بزرگ اظهار نظر مشروط بیشتر صادر می کنند. محمود و همکاران (۲۰۱۴)، به بررسی بین ویژگی شرکت و دلایل افشای داوطلبانه مدیریت برای تغییر حسابرس و واکنش بازار سرمایه به ارزیابی افشای اطلاعات از رویدادهای تغییر حسابرس پرداخته اند. یافته های این تحقیق نشان می دهد که مدیران دلایل تغییرات حسابرس را زمانی افشاء می کنند که این تغییرات به دلایل کاری مطلوب و یا دلایل حاکی از حضور هیچ گونه مسایل گزارش گری مالی یا عملیاتی نهان نباشد. رگان و بریتی<sup>۲</sup> (۲۰۱۴)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین چرخش حسابرس و استراتژی های مذاکره مدیریت صاحبکار پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که مدیریت صاحبکار انگیزه کمتری و سازگاری بیشتری به یک چرخش جدید شریک حسابرسی در مقایسه با یک شریک حسابرسی که رابطه دوستانه با مدیریت صاحبکار ایجاد کرده است را دارد. علاوه بر این مدیریت صاحبکار تمایل بیشتری به استراتژی های مذاکره از انسجام و سازش استفاده می کند زمانی که با یک شریک حسابرسی رابطه دوستانه در مقایسه با یک چرخش جدید شریک حسابرسی دارد.

شی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۳)، در بررسی قانون تغییر حسابرس در چین نشان دادند که بعد از تدوین این قانون کیفیت حسابرسی افزایش یافته است بر اساس قانون مذکور مدیران شرکتهای چینی حق ندارند حسابرس خود را در سال اول خدمت حسابرس تغییر دهند. هم چنین طبق این قانون مدیران تا حد اکثر ۵ سال می توانند از خدمات حسابرسان استفاده کنند. کامینگ و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۱)، قوانین تجارت ارز و نقدشوندگی بازار سهام در بورس اوراق بهادار ۴۲ کشور را بررسی و شاخص های جدیدی را برای دستکاری بازار، تجارت داخلی و تعارضات آژانس های کارگزاری براساس مقررات خاصی در قوانین تجاری در هر یک از بورس های اوراق بهادار ایجاد کردند؛ و به این نتیجه رسیدند که تفاوت در قوانین تجارت ارز، در طول زمان و در سراسر بازار، نقدشوندگی را به طور چشمگیری تحت تأثیر قرار می دهد. واعظ و احمدی (۱۳۹۴)، به بررسی رابطه بین دو عامل حق الزحمه حسابرسی و تغییر حسابرس با تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی در ۱۷ شرکت دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۶ مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که تغییر حسابرس با تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه معناداری ندارد اما حق الزحمه حسابرسی با تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد.

<sup>1</sup> Kalson & Hazlina

<sup>2</sup> Regan and Britney

<sup>3</sup> Chi and et al

<sup>4</sup> Cumming

در ایران نیز، بهارمقدم وقانندی‌ها (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و تغییر حسابرس در ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد بین اقلام تعهدی اختیاری مثبت و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج نشان‌دهنده این است که بین اقلام تعهدی اختیاری منفی و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد. رحیمیان و جان فدا (۱۳۹۳)، به بررسی تاثیر چرخش اجباری و داوطلبانه موسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۷ ساله طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۱ پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چرخش اجباری و داوطلبانه موسسات حسابرسی تاثیری بر کیفیت حسابرسی ندارد. تحقیق دیگری توسط زارعی مروج (۱۳۸۴) با عنوان "شناسایی عوامل موثر بر تغییر حسابرس در ایران" صورت پذیرفت در این تحقیق محقق به این نتیجه رسید حق الزحمه حسابرس، کیفیت کار حسابرس، تغییر مدیران شرکتهای، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه شرکتهای در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر تغییر حسابرسان از سوی شرکتهای تأثیر دارد و اظهار نظر مشروط، افزایش میزان فروش شرکت صاحبکار، میزان فراوان نسبت بدهی بلند مدت به داراییهای شرکت صاحبکار، مقدار زیاد نسبت بدهی کوتاه مدت به داراییهای شرکت صاحبکار و افزایش سرمایه شرکت صاحبکار بر تغییر حسابرسان شرکتهای تأثیری ندارد

با بررسی و تشریح ادبیات پژوهش و همچنین در کنکاش تحقیقات صورت گرفته در زمینه عدم تقارن اطلاعاتی و وجود رابطه‌ای با محوریت چرخش حسابرس، فرضیه‌های این پژوهش در ادامه به صورت زیر تبیین و تشریح می‌شود:

**فرضیه ۱:** بین چرخش اجباری حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه ۲:** بین چرخش داوطلبانه حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای رابطه معناداری وجود دارد.

#### ۴- روش شناسی پژوهش

این تحقیق از جنبه هدف از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌رود و از لحاظ طبقه بندی تحقیق بر حسب روش، تحقیقی توصیفی محسوب می‌شود. در میان انواع تحقیقات توصیفی، این تحقیق از نوع علی است؛ زیرا رابطه بین متغیرهای وابسته و مستقل را بررسی می‌کند و در نهایت از لحاظ تئوریک از نوع تحقیقات اثباتی و از لحاظ استدلال از نوع استقرایی می‌باشد. زیرا با این پیش فرض اقدام به انجام پژوهش شده است که مفاهیم و واقعیات به صورت عینی در دنیای خارجی وجود دارد و با انواع روش‌های آماری قابل مشاهده و اندازه‌گیری هستند. برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به بخش تجربی و آزمون فرضیه‌های پژوهش داده‌های مرتبط با متغیر مستقل از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران که در سایت پژوهش، توسعه و مطالعه‌های

اسلامی، سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران و در مواردی نیز با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران (نرم‌افزارهای ایران بورس و ره آورد نوین) گردآوری شده است.

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و از همه صنایع طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ می‌باشد. نمونه این مطالعه با توجه به موضوع آن، از نوع نمونه‌گیری حذفی است که در آن شرکت‌های انتخاب شده با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در ذیل از بین مجموعه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که دارای شرایط ذیل باشند:

۱. شرکت‌ها عضو صنایع واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بانک‌ها نباشند. علت این امر از این جهت است که چنین شرکت‌هایی از نظر ماهیت فعالیت و طبقه‌بندی ارقام صورت‌های مالی، با دیگر شرکت‌ها دارای تفاوت‌هایی می‌باشند.
  ۲. معاملات شرکت‌ها نباید طی دوره‌ی پژوهش به‌طور کامل متوقف شده باشد (نماد شرکت از بورس خارج شده باشد).
  ۳. شرکت‌ها حداقل از ابتدای سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
  ۴. کلیه داده‌های مورد نیاز تحقیق برای آن شرکت‌ها، در طی دوره زمانی تحقیق، موجود و در دسترس باشد.
- با در نظر گرفتن شرایط فوق تعداد ۱۲۹ شرکت باقی ماند که در حقیقت نشان دهنده جامعه آماری واقعی مورد رسیدگی می‌باشد.

#### ۴-۱- الگوی مورد برآزش برای فرضیه و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش به منظور ارزیابی پارامترهای تحقیق از مدل رگرسیون چند گانه به شرح ذیل استفاده نموده‌ایم:

$$AI\_INDEX_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MFR_{it} + \alpha_2 VFR_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 LEV_{it} + \alpha_5 ATURN_{it} + \alpha_6 ROA_{it} + \alpha_7 SGROW_{it} + \alpha_8 QUICK_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:  $AI-INDEX$ : شاخص عدم تقارن اطلاعاتی،  $MFR$ : تغییر اجباری موسسه حسابرسی که در صورت این تغییر، برابر یک و در غیر اینصورت صفر است،  $VFR$ : تغییر داوطلبانه موسسه حسابرسی که در صورت این تغییر، برابر یک و در غیر اینصورت صفر است،  $SIZE$ : لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$ ،  $LEV_{it}$ : نسبت مجموع بدهی به مجموع دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$ ،  $ATURN$ : نسبت برگشت دارایی، که از نسبت فروش به جمع دارایی‌ها به دست می‌آید،  $ROA_{it}$ : نرخ بازده دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$  می‌باشد. که برابر سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت می‌باشد،  $SGROW_{it}$ : رشد فروش شرکت،

نسبت تغییرات فروش به فروش سال قبل به شرکت  $i$  در سال  $t$ :  $QUICK_{it}$ : نسبت دارایی های جاری به بدهی های جاری شرکت  $i$  در سال  $t$  (نسبت جاری).

در این تحقیق، مطابق با روش درويز و همکاران (۲۰۰۹) با ترکیب چهار سنجه انتخابی عدم تقارن اطلاعاتی که در ادامه تشریح می شوند، یک شاخص کلی محاسبه خواهد شد. به منظور ساخت شاخص ترکیبی عدم تقارن اطلاعاتی، ابتدا رتبه چارکی شرکت ها برای تمامی پروکسی های مذکور محاسبه می شود، به طوری که یک رتبه بالاتر به معنی درجه بالاتر عدم تقارن اطلاعاتی است. برای مثال، یک شرکت رتبه ۴ (۱) دریافت می کند مشروط بر این که متعلق به ۲۰٪ بیش ترین (کمترین) چارک شرکت ها در مورد هر سنجه عدم تقارن اطلاعاتی در یک سال مفروض باشد. سپس رتبه های مربوط به هر یک از چهار پروکسی مذکور در مورد هر شرکت با یکدیگر جمع می شود. بنابراین بزرگترین (کوچکترین) ارزش متغیر  $AI\_INDEX$  می تواند ۱۶ (۴) برای شرکت های با بیشترین (کمترین) میزان عدم تقارن اطلاعاتی باشد. حال شاخص هایی که زیربنای محاسبه شاخص عدم تقارن اطلاعاتی می باشد در ادامه تشریح خواهد شد. متغیرهای مذکور براساس ادبیات موجود و نیز نظر نویسندگان تخصیص داده شده و با توجه به شرایط بورس اوراق بهادار تهران معنادار شناخته شده اند.

**حجم معاملات:** محققین زیادی از حجم معاملات به عنوان معیاری برای عدم تقارن اطلاعاتی استفاده کرده اند (بارتو و بودنار، ۱۹۹۶). معمولاً در بازارهای مالی اطلاعات بیش تری پیرامون شرکت های معامله در دسترس است و بنابراین رابطه معکوسی بین حجم معاملات و عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد. این سنجه همچنین یکی از معیارهای اندازه گیری نقدینگی بازار است و تمایل سرمایه گذاران برای خرید و فروش سهام را نشان می دهد. تمایل سرمایه گذاران برای معامله سهام شرکت با وجود عدم تقارن اطلاعاتی احتمالی رابطه معکوس دارد. حجم معاملات، به جمع کل سهام مبادله شده شرکت در یک دوره زمانی معین اطلاق می شود. از این رو، در این تحقیق از معیار حجم معاملات هم مقیاس شده استفاده گردیده که از طریق نسبت کل حجم معاملات (برحسب سهام) بر سهام منتشر شده محاسبه می شود. این معیار، آثار تفاوت در کل سهام منتشره شرکت ها را کنترل می کند.

**نوسان قیمت سهام شرکت:** همانند باگات، مار و تامپسون (۱۹۸۵)، بلک ول، مار و اسپیوی (۱۹۹۰) و کریش ناسوامی و سابرامانیا (۱۹۹۹)، در این تحقیق از نوسان در قیمت سهام، به عنوان شاخص عدم تقارن اطلاعاتی استفاده شده است. این متغیر بر اساس پراکندگی در بازدهی روزانه سهام طی سال مورد بررسی، اندازه گیری می شود. هر چقدر سرمایه گذاران با سطح بالاتری از عدم تقارن اطلاعاتی مواجه باشند، احتمال پیش بینی غیردقیق بازده سهام توسط آن ها بیش تر است و بنابراین انتظار بر این است که شرکت های با عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر، نوسان بیشتری در بازدهی سهام خود داشته باشند.

**تعداد روز معاملاتی:** معمولاً زمانی که رویداد خاصی در شرکت‌ها واقع می‌شود تا زمان شفاف شدن آن و اعلام رسمی آن از سوی سازمان بورس، نماد شرکت متوقف می‌شود تا سهام داران با اطلاع مناسب از آن رویداد، تصمیم‌گیری کنند. از سوی دیگر، عدم ارائه اطلاعات ضروری یا ارائه ناقص اطلاعات از طرف شرکت‌ها به بورس اوراق بهادار نیز یکی دیگر از دلایل توقف نماد معاملاتی شرکت‌ها است. در این تحقیق از این شاخص به عنوان یک متغیر مهم برای ارزیابی میزان عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون سازمانی و برون سازمانی استفاده شد. در حقیقت، هر چه شرکت‌ها تعداد روزهای معاملاتی بیشتری داشته باشند و نماد آنها کم‌تر بسته باشد، حجم معاملات سهام آن‌ها بیش‌تر است و وضعیت ارائه اطلاعات آن‌ها مناسب‌تر به نظر می‌رسد. بنابراین در این شرایط، انتظار می‌رود سطح عدم تقارن اطلاعاتی این شرکت‌ها کم‌تر از شرکت‌هایی باشد که تعداد روزهای توقف نماد آنها بیش‌تر است.

**عمر شرکت:** برخی محققین متغیر عمر شرکت را به عنوان شاخص‌های عدم تقارن اطلاعاتی نام برده‌اند (لیری و روبرتس، ۲۰۰۷). متغیر عمر شرکت معادل زمان پذیرش در بورس تعریف می‌گردد. بدیهی است هر چه شرکت بزرگ‌تر باشد یا تعداد سال‌های بیشتری در بازار حضور داشته باشد، اطلاعات بیش‌تری در مورد آن وجود دارد و برای فعالان بازار در دسترس است. بنابراین این متغیر با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معکوس دارد. فرض بر این است که عدم تقارن اطلاعاتی کم‌تری در مورد شرکت‌های با عمر بیش‌تر وجود دارد.

متغیر مستقل این پژوهش تغییر حسابرس شرکت می‌باشد. که شامل تغییر داوطلبانه حسابرسی (VFR) و تغییر اجباری حسابرسی (MFR)<sup>۲</sup> می‌باشد.

MFR: تغییر اجباری موسسه حسابرسی که در صورت این تغییر، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است.

VFR: تغییر اختیاری موسسه حسابرسی که در صورت این تغییر، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است.

تغییر اجباری موسسات حسابرسی، اشاره به این دارد که موسسه حسابرس مستقل یک شرکت به صورت اجباری تعویض گردد و از بین سایر موسسات واجد شرایط آن شرکت به عنوان حسابرس جدید انتخاب شود. با توجه به اینکه طبق تبصره ۹ ماده ۳۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی شروع مهلت ۴ ساله از تاریخ تصویب دستورالعمل می‌باشد، لذا موسسات حسابرسی از تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۸ در صورتی که ۴ سال متوالی اخیر حسابرس و بازرس شرکت بوده‌اند، نمی‌توانند پس از تاریخ یاد شده، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند. به عبارت دیگر در صورتی که مجمع عمومی عادی شرکتی پس از تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۸ برگزار شود، موسسه حسابرسی که ۴ سال (دوره) متوالی قبل حسابرس و بازرس شرکت بوده است، نمی‌تواند

<sup>۱</sup> voluntary audit firm rotation

<sup>۲</sup> Mandatory audit firm rotation

سمت حسابرِس مستقل و بازرِس قانونی آن شرکت را بپذیرد. با توجه به این که تغییر موسسات حسابرِس پس از دوره ۴ ساله در سال ۸۶ الزامی شده است. و شروع اولین دوره این مهلت از تاریخ تصویب این دستورالعمل است، بنابراین اولین دوره تغییر اجباری موسسات حسابرِس از سال ۹۰ و ۹۱ قابل شناسایی است. بنابراین ما برای شناسایی تغییر های اجباری از اطلاعات مالی سال ۸۸ الی ۹۴ استفاده کرده ایم و در صورتی که حسابرِس شرکت از سال ۸۸ به مدت ۴ سال متوالی تا سال ۹۲ و یا ۹۳ تغییر نکرده باشد و در سال ۹۳ یا ۹۴ تغییر کرده باشد را به عنوان تغییر اجباری شناسایی کردیم.

تغییر داوطلبانه موسسات حسابرِس، اشاره به این دارد که موسسه حسابرِس مستقل یک شرکت به صورت داوطلبانه تعویض گردد و از بین سایر موسسات واجد شرایط آن شرکت به عنوان حسابرِس جدید انتخاب شود. ما در صورتی تغییر های داوطلبانه را شناسایی می کنیم که حسابرِس مستقل یک شرکت نسبت به حسابرِس سال گذشته خود تغییر کرده باشد، به استثنای تغییر هایی که پس از یک دوره متوالی ۴ ساله تغییر پیدا کرده باشد.

## ۵- یافته های پژوهش

### ۵-۱- توصیف مقادیر متغیرها

یافته های توصیفی حاصل از این پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمترین مشاهده و بیشترین مشاهده در جدول یک ارائه می شود. لازم به ذکر است که تعداد شرکت های مورد مطالعه ۱۲۹ شرکت می باشند که اطلاعات آنها برای ۶ سال متوالی جمع آوری شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای مدل پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
شاخص عدم تقارن اطلاعاتی	<i>AI-INDEX</i>	۱۰/۰۲۵	۱۰/۰۰۰	۰/۳۶۸	۴/۰۰۰	۱۶/۰۰۰
اندازه شرکت	<i>SIZE</i>	۱۳/۱۸۰	۱۳/۱۹۹	۱/۲۴۴	۱۰/۰۳۱	۱۸/۵۳۴
اهرم مالی	<i>LEV<sub>it</sub></i>	۰/۶۹۸	۰/۶۵۹	۰/۳۵۰	۰/۰۶۴	۳/۰۶۰
برگشت دارایی ها	<i>ATURN<sub>it</sub></i>	۱/۱۲۶	۰/۸۴۱	۲/۸۷۵	۰/۰۸۵	۶۷/۵۸۹
بازده دارایی ها	<i>ROA<sub>it</sub></i>	۰/۰۹۶	۰/۰۸۵	۰/۱۷۸	-۱/۳۲۲	۰/۷۴۵
نسبت جاری	<i>QUICK</i>	۱/۲۷۱	۱/۱۵۱	۰/۶۵۵	۰/۰۲۵۶	۶/۳۴۴
رشد فروش	<i>SGROW<sub>it</sub></i>	۰/۴۰۵	۰/۱۵۲	۲/۰۲۳	-۱/۹۶۷	۳۶/۱۹۲

شاخص ترکیبی محاسبه شده برای عدم تقارن اطلاعاتی در این جدول، دارای میانگینی معادل ۱۰/۰۲۵ می باشد. با توجه به اینکه رتبه عدم تقارن براساس مدل ۵ سنجهای معرفی شده، می تواند عددی بین ۴ تا ۱۶ را

اختیار نماید، می‌توان ادعا نمود که توزیع سنج‌های معرفی شده برای این مدل، بین شرکت‌های نمونه تا حدود زیادی بدون چولگی می‌باشد. توصیفی از رتبه‌های عدم تقارن اطلاعاتی محاسبه شده برای سال-شرکت‌های نمونه، در نمودار شماره یک قابل مشاهده می‌باشد.

## ۵-۲- آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای انجام رگرسیون خطی، مفروضه‌هایی وجود دارد. در عمل کنترل و تحقق تمامی این پیش فرض‌ها نه مرسوم و نه عملی است و حتی برخی صاحب نظران، کنترل و تحقق تمامی این پیش فرض‌ها را ضروری نمی‌دانند (سرمد و همکاران، ۱۳۸۷). از میان آزمون‌های پیش فرض‌های رگرسیون سه آزمون در روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های پانلی اهمیت بیشتری دارد. اول، آزمون عدم وجود ریشه واحد (ایستایی) در بین متغیرها، دوم، وجود خود هبستگی جزء خطا و سوم، آزمون ناهمسانی واریانس.

برای بررسی ایستایی متغیرهای پژوهش از آزمون لوین، لین و چو استفاده گردیده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲: بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره آزمون	P - مقدار	نتیجه آزمون
AI-INDEX	۴,۹۸۵	۰,۰۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
SIZE	۳۲,۲۵۴	۰,۰۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
$LEV_{it}$	۱۲,۸۵۴	۰,۰۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
$ATURN_{it}$	-۳۱,۵۱۲	۰,۰۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
$ROA_{it}$	-۱۱,۱۵۹	۰,۰۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
QUICK	۹,۹۸۱	۰,۰۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.
$SGROW_{it}$	-۱۲,۳۲۴	۰,۰۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود - متغیر مانا می‌باشد.

بر اساس آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، چنانچه معناداری آماره آزمون کمتر از سطح خطای مورد نظر (در اینجا ۰/۰۵) باشد، متغیر مورد آزمون ایستا می‌باشد. همان‌طور که در نگاره فوق مشاهده می‌شود، در کلیه متغیرها سطح معناداری در آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و نشان‌دهنده این است که متغیرها پایا هستند، این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است و در نتیجه، شرکت‌های مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.



یکی دیگر از مهم‌ترین فرض مدل رگرسیون خطی ناهمسانی واریانس است که اجزاء اخلال که در تابع رگرسیون جامعه ظاهر می‌شوند، دارای واریانس همسانی هستند، یعنی همه آن‌ها واریانس یکسانی دارند. حال اگر که این فرض برقرار نباشد آنگاه تخمین زنده‌ها دیگر بدون تورش نخواهند بود. برای بررسی این فرض از آزمون نسبت واریانس استفاده می‌گردد. نتایج حاصل از این آزمون به شرح ذیل است:

جدول ۳: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

فرضیه صفر ( $H_0$ )	آماره‌ی Z	P-مقدار	نتیجه آزمون
ناهمسانی واریانس وجود دارد	۷,۲۵۱	۰,۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود (وجود همسانی واریانس)

با توجه به این توضیح که فرضیه صفر آزمون نسبت واریانس بیانگر ناهمسانی واریانس می‌باشد و با عنایت به P-مقدار حاصله از این آزمون که در جدول فوق ارائه شده است می‌توان نتیجه گرفت که مدل فرضیه اول این تحقیق فاقد ناهمسانی واریانس می‌باشد. در ادامه، به بررسی خودهمبستگی اجزاء اخلال در مدل پژوهش می‌پردازیم. با توجه به اینکه در داده‌های پانل، خودهمبستگی می‌تواند بین مقاطع یا زمان‌ها رخ دهد. لذا جهت بررسی خودهمبستگی از آزمون وولدریج استفاده گردیده است که نتایج حاصل از آن‌ها در نگاره ذیل قابل مشاهده می‌باشد:

جدول ۴: نتایج آزمون خودهمبستگی

فرضیه صفر ( $H_0$ )	آماره‌ی آزمون	P-مقدار	نتیجه آزمون
خودهمبستگی وجود ندارد	۲۹,۲۳۴	۰,۰۰۰	$H_0$ رد می‌شود (وجود خودهمبستگی)

با توجه به اینکه P-مقدار آزمون وولدریج کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی بین اجزای اخلال رد شده و مدل دارای خودهمبستگی می‌باشد. وجود خودهمبستگی بین باقیمانده‌های مدل سبب ایجاد آریبی در تخمین مدل خواهد بود. برای رفع این مشکل و جهت برآزش مناسب‌تر پارامترهای مدل از تخمین زنده حداقل مربعات پانلی تعمیم یافته (PGLS) استفاده می‌نماییم.

حال که تخمین زنده مناسب جهت برآزش مدل انتخاب گردید لازم است روش تخمین نیز تعیین گردد. با این هدف، آزمون‌های پیش از برآزش را برای داده‌های پانلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین آزمون جهت تشخیص همگن بودن واحدهای انفرادی یعنی انتخاب بین روش OLS (واحدهای انفرادی همگن) و روش اثرات ثابت

(واحدهای انفرادی ناهمگن) می باشد، که به آزمون چاو یا F-لیمر مشهور است. نتایج حاصل از این آزمون به شرح ذیل است:

جدول ۵: نتایج آزمون چاو (F-لیمر)

فرضیه صفر ( $H_0$ )	آماره‌ی آزمون	P-مقدار	نتیجه آزمون
رحجان مدل OLS	۴,۳۲۴	۰,۰۰۰	$H_0$ رد می شود (روش پانلی مناسب است)

با توجه به جدول فوق، P-مقدار آزمون F برابر ۰/۰۰۰ می باشد که حاکی از رد فرضیه  $H_0$  یعنی برتری روش پانلی می باشد. حال که ناهمگن بودن واحدهای انفرادی مورد پذیرش قرار گرفت و روش پانل ارجحیت پیدا نمود، لازم است در گام بعدی به بررسی همبستگی میان اجزای اختلال و متغیرهای توضیحی مدل پردازیم. در صورت وجود همبستگی مذکور، لازم است از روش پانلی با اثرات ثابت استفاده گردد و در صورتی که این همبستگی معنادار نباشد ضروری است از روش پانلی با اثرات تصادفی بهره گرفته شود. برای این منظور، از آزمون هاسمن استفاده گردید که نتایج آن در ذیل ارائه گردیده است:

جدول ۶: نتایج آزمون هاسمن

فرضیه صفر ( $H_0$ )	آماره‌ی آزمون	P-مقدار	نتیجه آزمون
روش اثرات تصادفی ارجح است	۱۳,۷۲۷	۰,۱۳۲	$H_0$ رد نمی شود (روش پانلی با اثرات تصادفی مناسب است)

با توجه به عدم رد فرضیه صفر آزمون هاسمن برای مدل پژوهش، نتیجه می شود که روش پانلی با اثرات تصادفی نسبت به روش اثرات ثابت مناسب تر است. گام پایانی برای تعیین روش مناسب برازش مدل، بررسی قابلیت ادغام زمان، مکان و یا هر دو این فاکتورها می باشد. برای اثبات این مورد از آزمون ضریب لاگرانژ (LM) بر روش پاگان استفاده می کنیم که نتایج آن در جدول ذیل به طور خلاصه نشان داده شده است:

جدول ۷: نتایج آزمون قابلیت ادغام زمان و مکان

فرضیه صفر ( $H_0$ )	آماره‌ی آزمون	P-مقدار	نتیجه آزمون
قابلیت ادغام زمان وجود دارد	۲۱,۵۱۳	۰,۰۰۰	$H_0$ : قابلیت ادغام زمان وجود ندارد.
قابلیت ادغام مکان وجود دارد	۱۶,۸۷۴	۰,۰۰۰	$H_0$ : قابلیت ادغام مکان وجود ندارد.

قابلیت ادغام همزمان مکان و زمان وجود دارد ۱۰,۱۵۳  
 رد  $H_0$ : قابلیت ادغام همزمان مکان و زمان وجود ندارد. ۰,۰۰۰

با توجه به عدم امکان قابلیت ادغام برای فاکتورهای زمان و مکان در مدل، نتیجه می‌شود که روش مناسب جهت برازش پارامترهای مدل، روش پانلی با اثرات تصادفی و تخمین زننده حداقل مربعات تعمیم یافته پانلی (PGLS) می‌باشد. جدول ۸ نشان دهنده نتایج حاصل از تخمین نهایی مدل پژوهش می‌باشد:

جدول ۸: نتایج برازش نهایی مدل پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب رگرسیون	انحراف معیار	آماره آزمون	P-مقدار
مقدار ثابت	$\alpha_0$	۹/۸۹۷	۱/۶۸۲	۵/۸۸۱***	<۰/۰۰۱
چرخش اجباری حسابرس	<i>MFR</i>	-۳/۲۱۳	۱/۱۸۰	-۲/۷۲۳**	۰/۰۰۶
چرخش داوطلبانه حسابرس	<i>VFR</i>	۲/۱۹۶	۰/۸۹۶	۲/۴۴۹*	۰/۰۱۴
اندازه شرکت	<i>SIZE</i>	۰/۰۱۷	۰/۱۱۷	۰/۱۴۷	۰/۸۸۳
اهرم مالی	<i>LEV</i>	۰/۰۷۰	۰/۳۸۴	۰/۱۸۴	۰/۵۸۴
برگشت دارایی‌ها	<i>ATURN<sub>it</sub></i>	-۰/۳۶۹	۰/۰۹۶	-۳/۸۱۵***	۰/۰۰۰۱
بازده دارایی‌ها	<i>ROA<sub>it</sub></i>	-۰/۱۰۴	۰/۷۶۱	-۰/۱۳۷	۰/۸۹۱
نسبت جاری	<i>QUICK</i>	۸/۹۹۳	۴/۴۲۷	۲/۰۳۱	۰/۰۴۱
رشد فروش	<i>SGROW<sub>it</sub></i>	۰/۰۰۷	۰/۰۱۴	۰/۵۴۳	۰/۵۸۷
سطح معناداری (مقدار خطای $\alpha$ ): ۰,۰۰۱ برای "***"، ۰,۰۱ برای "**"، ۰,۰۵ برای "*"					
ضریب تعیین مدل ( $R^2$ )	۰/۳۴۱	آماره F مدل		۵/۳۶۰	
ضریب تعیین تعدیل شده مدل ( $Adj.R^2$ )	۰/۳۳۷	P-مقدار آماره F		۰/۰۱۷	

مقدار آماره  $t$  متغیرهای تغییر اجباری و تغییر اختیاری حسابرس در مدل فوق به ترتیب برابر ۲/۷۲۳- و ۲/۴۴۹ بوده و ضرایب آن‌ها معادل ۳/۲۱۳- و ۲/۱۹۶ می‌باشد که نشان دهنده رابطه منفی بین چرخش اجباری حسابرس و

عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین، رابطه مثبت و معنادار بین چرخش داوطلبانه حسابرس با عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. لذا می‌توان ادعا نمود که فرضیه‌های این پژوهش مورد تأییر قرار گرفته‌اند. جهت بررسی اعتبار و قدرت توجیه مدل از آماره  $F$  و ضریب تعیین  $R^2$  استفاده شده است. مقادیر آماره  $F$  برای الگوی برازش شده برابر  $5/360$  با احتمال  $0/017$  می‌باشد، که حاکی از نیکویی برازش این مدل‌ها بوده است. ضمن آن که ضریب تعیین آن  $0/341$  است که نشان می‌دهد در حدود  $34$  درصد از تغییرات متغیر وابسته از سوی متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

## ۶- نتیجه گیری، پیشنهادها و محدودیت‌ها

از دیدگاه صاحب نظران و مراجع حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی، فرآیند چرخش مؤسسات حسابرسی با قطع ارتباط بلند مدت میان صاحبکار و حسابرس، موجبات استقلال حسابرسان را فراهم می‌آورد، اما همین فرآیند موجب می‌شود که کیفیت خدمات حسابرسی مؤسسات جدید در سال‌های ابتدایی پس از چرخش بدلیل عدم آشنایی کافی با فعالیت و صنعت صاحبکار کاهش یابد. با تداوم انتخاب حسابرس و به دست آوردن شناخت بیشتر حسابرس از وضعیت صاحبکار، هوشیاری حسابرس نسبت به کار حسابرسی بیشتر می‌شود و از هر گونه خطرپذیری بالقوه حسابرسی پرهیز می‌کند. بنابراین؛ با تداوم انتخاب حسابرس، عدم تقارن اطلاعاتی بین صاحبکار و حسابرس کاهش می‌یابد و منجر به بهبود کیفیت حسابرسی می‌شود. در این پژوهش تلاش شد تا بررسی شود که چرخش حسابرس چه از نوع اختیاری و چه از نوع اجباری، می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد شده بین مدیران و سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را کاهش دهد؟ نتایج حاصل از آن فرضیه‌های این پژوهش به شرح ذیل است:

فرضیه اول، رابطه عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌هایی که طبق قوانین حاکم اقدام به تغییر اجباری حسابرس می‌نمایند را نسبت به شرکت‌هایی که حسابرس را تغییر نمی‌دهند مورد بررسی قرار می‌دهد، نتایج آزمون فرضیه حاکی از آن است که متغیر چرخش اجباری حسابرس ( $MFR$ ) در مدل دارای رابطه منفی و معنادار با شاخص ترکیبی عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد، لذا فرضیه اول این پژوهش مورد تأیید خواهد بود. به عبارت دیگر، نتایج این فرضیه نشان می‌دهد که تغییر اجباری حسابرس منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی خواهد شد. نتایج آزمون این فرضیه در راستای پژوهش‌های حکیم و عمری (۲۰۱۰) و ریچاردسون (۲۰۰۰) می‌باشد.

در فرضیه دوم، رابطه عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌هایی که حسابرس به صورت داوطلبانه تغییر می‌دهند (چرخش اختیاری حسابرس) نسبت به سایر شرکت‌ها را مورد بررسی قرار می‌گیرد، نتایج آزمون فرضیه حاکی از آن است که متغیر چرخش اختیاری حسابرس ( $VFR$ ) در مدل دارای رابطه مثبت و معنادار می‌باشد، بنابراین فرضیه دوم نیز پذیرفته می‌شود. این امر بیان‌کننده آن است که تغییر اختیاری حسابرس سبب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی

بین مدیران و استفاده کنندگان از صورتهای مالی خواهد شد. نتایج آزمون این فرضیه همسو با حکیم و عمری (۲۰۱۰)، آلماتایی و همکاران (۲۰۰۹) می باشد.

براساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می گردد جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی اولاً قوانینی وضع گردد که تغییرات حسابرس صرفاً براساس آن ها صورت پذیرد تا احتمال هرگونه سوء استفاده از سوی مدیران از این طریق کاهش یابد؛ ثانیاً، به سهامداران توصیه می شود نسبت به انتخاب حسابرسان معتمد با تمهیدات خاص در جهت افشا به موقع اطلاعات، دقت نظر نمایند. در فرآیند انجام یک پژوهش علمی، شرایط و مواردی وجود دارد که چندان در کنترل پژوهش گر نمی باشند. از جمله محدودیت های حاکم بر تحقیق حاضر می توان به این موارد اشاره کرد: اولاً، در این تحقیق چهار سنجه انتخابی برای مفهوم عدم تقارن اطلاعاتی انتخاب و مطابق با روش چارک بندی مورد استفاده در تحقیق دروبز (۲۰۰۹)، ترکیب شدند. سنجه های انتخابی با توجه به ادبیات تحقیق و مربوط بودن آنها با توجه به محیط حاکم بر بورس اوراق بهادار تهران شامل معناداری، نوسان قابل قبول در مورد سال شرکت ها و نیز قابلیت جمع آوری داده انتخاب شده اند. گرچه سعی بر این بوده که معنادارترین متغیرهای برای شاخص سازی مفهوم عدم تقارن اطلاعاتی انتخاب شود ولی به هر حال سنجه های دیگری نیز برای اندازه گیری عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد که مورد استفاده قرار نگرفته اند. طبیعی است که تغییر در شاخص های اندازه گیری مفهوم عدم تقارن اطلاعاتی ممکن است بر نتایج تاثیرگذار باشد و بنابراین تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت پذیرد. ثانیاً، از آن جا که این پژوهش برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ انجام شده است؛ بنابراین، استفاده کنندگان از نتایج این پژوهش باید در تعمیم این نتایج به سایر شرکت ها و زمان ها محتاطانه عمل نمایند.

## ۷- منابع:

۱. جعفری، ولی اله (۱۳۸۷). "چرخش موسسات حسابرسی و تاثیر آن بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. تهران
۲. حساس یگانه، یحیی و جعفری ولی اله (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرس شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، فصلنامه بورس و اوراق بهادار، شماره ۹، صص ۲۵-۴۲.
۳. خواجهی، شکراله، زارع، غلامحسین، (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه بین سازو کارهای راهبردی شرکت و انتخاب حسابرس"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۱۴.
۴. رجبی، روح اله (۱۳۸۵). "چالش های تعویض حسابرس" فصلنامه حسابدار رسمی، سال سوم، بهار و تابستان، شماره های (۹۸)، ۵۳-۶۵

۵. علوی تبری، سید حسین، ولی زاده لاریجانی، اعظم، اثنی عشری، حمیده، (۱۳۹۰)، "گردش موسسات حسابرسی و کیفیت اطلاعات حسابداری"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۱.

۶. کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه (۱۳۸۹). "پیامدهای تغییر حسابرسی". حسابدار. شماره (۲۱۸). ۵۸-۶۳

7. Acharya, V., & Pedersen, L., (2005), "Asset pricing with liquidity risk", *Journal of Financial Economics*, Vol.77, pp. 375-410.
8. Bailey, W., Karolyi, A., & Salva, C., (2006), "The Economic Consequences of Increased Disclosure: Evidence from International Crosslistings", *Journal of Financial Economics*, No. 81 ,pp:175-213.
9. Blouin, J., Grein, B. M., & Rountree, B. R. (2007). An analysis of forced auditor change: the case of former Arthur Andersen clients. *The Accounting Review*, 82(3), 621e650.
10. Bortolotti, B., de Jong, F., Nicodano, G. & Ibolya, S., (2006), "Privatization and stock market liquidity", *Journal of Banking & Finance*, Vol. 31, No.2, pp: 297-316.
11. Carson, E., Simnett, R., Soo, B.S. and Wright, A.M. (2012), "Changes in audit market competition and the Big N premium". *Auditing: A Journal of practice and Theory*, 31 (3): 47-73.
12. Chordia, T., Roll, R., & Subrahmanyam, A., (2007), "Why Has Trading Volume Increased?", Working Paper Anderson School, UCLA.
13. Dibia, N.O. and Onwuchekwa, J.C. (2013). "An examination of the audit report lag of companies quoted in the Nigeria stock exchange". *International Journal of Business and Social Research*, 3(9), 8-16.
14. Doyle, J.T., Jennings, J., Soliman, M.T., (2014), "Do Managers Define Non GAAP Earnings to Meet or Beet Analyst Forecasts?", *Journal of Accounting and Economics*.
15. Fan, J., & Wong, T. (2002). "Do external auditors perform a corporate governance role in emerging market? Evidence from East Asia." *Journal of Accounting Research*, 43(1), 35&72.
16. Fan, J.P.H, and Wang T.J.(2005). "Do External Auditors perform a Corporate Governance Rolein Emerging markets?Evidence from East Asia." *Jurnal of Accounting Research*,43(1),35-72.
17. Fang, V., Noe, T., & Tice, S., (2009), "Stock market liquidity and firm value", *Journal of Financial Economics*, Vol.94 , No.1, pp:150-169.
18. Houmes, R. , Foley, M. , & Richard, J. (2013). "Audit quality and overvalued equity". *Accounting Research Journal*, 26 (1) , 56-74.
19. Jeng-Fang Chen, Yan-Yu Chou, Rong-Ruey Duh, and Yu-Chen Lin(2014). "Audit Committee Director-Auditor Interlocking and Perceptions of Earnings Quality", *A Journal of Practice & Theory*. Vol. 33, No. 4. November 2014 pp. 41-70
20. Jenkins, D. S., & Vermeer, T. E. (2013). "Audit firm rotation and audit quality: evidence from academic research". *Accounting Research Journal*, 26(1), 75-84.
21. Kim, C., K (2014). "Audit fees: the plural nature of risk". *Managerial Auditing Journal*, Vol. 11 No.3, pp. 25-40.
22. Kim, J. B. , and Yi, C. H.. (2006). "Does auditor rotation improve audit quality in emerging markets? Korean evidence. " *Working paper*, Concordia University and Hong Kong Polytechnic University.
23. Lennon,c.(2000),"Do Companies successfully engage in Opinion-shopping?The uk evouienee." *Jurnal of Accounting and Economics*,29(3),321-337.
24. Liu, W., (2005), "A liquidity-augmented capital asset pricing model", *Journal of Financial Economics.*, Vol. 1, No. 1, pp: 1-41.
25. Loukil, N., Zayani, M.B. & Omri, A., (2010), "Impact of Liquidity on Stock Returns: An Empirical Investigation of the

26. Reheul, A.M., Caneghem, T.V., and Verbruggen,S. (2013). "Audit report lags in the Belgian nonprofit sector: An empirical analysis". *Accounting and Business Research*, 43(2), 138-158.
27. Ruiz-Barbadillo E. and Gomez-Aguilar N. (2002). "Does Auditor Tenure Improve Audit Quality? Mandatory auditor Rotation Versus Long Term Auditing. An empirical nalysis". Working paper. University of Cadiz Spain.
28. Schelker,M.,and Eichenberger,R(2010)."Auditors and Fiscal policy:Empirical evidence on a Little biginstitution." *Jurnal of Comparative Economics*,38(4),357-380.
29. Sibilkov, V., (2009), "Asset Liquidity and Capital Structure", *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol. 44, No. 5, pp: 1173-1196.
30. Taylor, M. and R, Thompson . (2013). "An analysis of external audit fees". *Accounting & Business Research*, Vol. 12, pp. 55-60.
31. Ye Cai , Dan S. Dhaliwal ,Yongtae Kim , Carrie Pan (2014). "Board interlocks and the diffusion of disclosure policy", *A Journal of Practice & Theory*19:1086–111
32. Zhi da, Y., (2006),"Three Essays on Asset Pricing", PhD dissertation, Northwestern University, OI: <http://worldcat.org/oclc/153845060>.